

جوانان ایران: نسل امید در سایه‌ی نومیدی‌ها

سولماز خرسند



بیست و یکم مردادماه (۱۲ اوت)، روز جهانی جوانان، فرصتی است برای بازاندیشی درباره جایگاه نسلی که آینده‌ی هر جامعه را رقم می‌زند. سازمان ملل متحد این روز را با هدف جلب توجه دولت‌ها و افکار عمومی به ظرفیت‌ها، چالش‌ها و مطالبات جوانان نام‌گذاری کرده است. توسعه‌ی اقتصادی، صلح پایدار، نوآوری، عدالت اجتماعی و دموکراسی، بدون مشارکت فعال نسل جوان امکان‌پذیر نیست.

در ایران نیز جوانان یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های انسانی کشور به شمار می‌روند. میلیون‌ها جوان ایرانی با وجود برخورداری از سطح بالای تحصیلات، توانایی‌های علمی، خلاقیت فرهنگی و ظرفیت‌های فنی، در سال‌های اخیر با مجموعه‌ای از بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی روبه‌رو بوده‌اند؛ بحران‌هایی که آینده‌ی فردی و جمعی آنان را با ابهام مواجه کرده است.

بیکاری گسترده، تورم مزمن، کاهش قدرت خرید، دشواری تأمین مسکن، گسترش مهاجرت نخبگان، محدود شدن فرصت‌های شغلی و افزایش ناامیدی نسبت به آینده، تنها بخشی از واقعیت زندگی نسل جوان امروز ایران است. بر اساس گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار و مراکز پژوهشی، نرخ بیکاری جوانان همواره چندین برابر میانگین بیکاری کل کشور بوده و در این میان زنان جوان با تبعیض‌های مضاعف و محدودیت‌های بیشتر در بازار کار مواجه هستند. بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، حتی پس از سال‌ها تحصیل، امکان دستیابی به شغلی متناسب با تخصص خود را پیدا نمی‌کنند و این امر پیامدهایی چون افزایش مهاجرت، تأخیر در تشکیل خانواده، کاهش سرمایه‌ی اجتماعی و تشدید احساس بی‌اعتمادی نسبت به آینده را به دنبال داشته است.

در کنار مشکلات اقتصادی، تحولات سیاسی و امنیتی نیز تأثیر عمیقی بر زندگی جوانان گذاشته است. تشدید تنش‌های منطقه‌ای، فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، محدودیت‌های اجتماعی و نگرانی نسبت به آینده، سلامت روان و کیفیت زندگی بسیاری از جوانان را تحت تأثیر قرار داده است. در چنین شرایطی، نسلی که می‌تواند موتور توسعه و نوآوری باشد، ناگزیر بخش بزرگی از انرژی خود را صرف مقابله با بحران‌های روزمره می‌کند.

یکی دیگر از نگرانی‌های جدی، افزایش اجرای احکام اعدام در ایران است. سازمان ملل متحد و شماری از سازمان‌های حقوق بشری در گزارش‌های خود نسبت به روند روبه‌افزایش اعدام‌ها و پیامدهای آن برای جامعه، به‌ویژه نسل جوان، ابراز نگرانی کرده‌اند. گسترش فضای ناامنی و نگرانی اجتماعی بر احساس امنیت و چشم‌انداز آینده جوانان تأثیر گذاشته است.

با وجود همه‌ی این دشواری‌ها، جوانان ایران همچنان در عرصه‌های علمی، فناوری، فرهنگ، هنر، ورزش و فعالیت‌های مدنی حضوری چشمگیر دارند. موفقیت پژوهشگران، نوآوران کسب‌وکار، هنرمندان، ورزشکاران و فعالان اجتماعی جوان نشان می‌دهد که ظرفیت انسانی ایران همچنان بسیار بالاست؛ ظرفیتی که در صورت ایجاد فرصت‌های برابر، حاکمیت قانون، آزادی‌های مدنی و ثبات اقتصادی، می‌تواند به نیرویی تعیین‌کننده برای توسعه‌ی کشور تبدیل شود.

باین‌حال، شاید مهم‌ترین ویژگی نسل جوان امروز ایران، تنها توانایی علمی یا مهارت حرفه‌ای آنان نباشد؛ بلکه تلاش برای بازتعریف مفاهیمی چون آزادی، برابری، کرامت انسانی و حقوق شهروندی است. این ویژگی بیش از هر زمان دیگری در جنبش «زن، زندگی، آزادی» نمایان شد؛ جنبشی که نشان داد نسل جدید ایران خواهان تغییراتی فراتر از اصلاحات اقتصادی است و آینده‌ای مبتنی بر عدالت، برابری و مشارکت همگانی را مطالبه می‌کند.

جنبش‌های اجتماعی، نسل جوان و بازتعریف آینده‌ی ایران

اگر قرار باشد از مهم‌ترین تحول‌های اجتماعی دهه‌های اخیر ایران نام برده شود، بدون تردید جنبش «زن، زندگی، آزادی» یکی از برجسته‌ترین آنهاست. در این جنبش، جوانان - به‌ویژه زنان جوان - نقشی محوری داشتند. آنان نه تنها در صف نخست اعتراضات حضور یافتند، بلکه گفتمانی تازه درباره‌ی آینده‌ی ایران ارائه کردند؛ گفتمانی که بر برابری جنسیتی، احترام به تنوع فرهنگی و قومی، نفی تبعیض و گسترش حقوق و آزادی‌های مدنی استوار بود. از این منظر، جنبش ۱۴۰۱ تنها یک اعتراض سیاسی

نبود، بلکه نشانه‌ی تغییر عمیق در فرهنگ سیاسی و اجتماعی نسل جدید ایران به شمار می‌رفت.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این جنبش، تغییر نگرش عمومی نسبت به جایگاه زنان در جامعه بود. امروز، حتی بسیاری از کسانی که پیش‌تر مسئله‌ی برابری جنسیتی را در اولویت نمی‌دانستند، آن را بخشی جدایی‌ناپذیر از بحث آزادی، عدالت و توسعه می‌دانند. در نتیجه، حقوق زنان دیگر صرفاً مطالبه‌ای مربوط به زنان نیست، بلکه به یکی از شاخص‌های سنجش دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران تبدیل شده است. این جنبش همچنین نشان داد که نسل جوان، تصویری متفاوت از هویت ملی ایران ارائه می‌دهد؛ هویتی که می‌تواند همزمان به تنوع قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی احترام بگذارد و بر حقوق برابر همه‌ی شهروندان تأکید کند. حضور گسترده‌ی جوانان از استان‌ها، اقوام و پیشینه‌های گوناگون نشان داد که خواست برابری و آزادی محدود به یک قشر یا منطقه‌ی خاص نیست.

با این حال، تجربه‌ی کشورهای مختلف نشان می‌دهد که هیچ جنبش اجتماعی صرفاً با حضور خیابانی پایدار نمی‌ماند. جنبش حق رأی زنان، جنبش حقوق مدنی آمریکا و مبارزه علیه آپارتاید در آفریقای جنوبی، همگی زمانی به نتایج ماندگار رسیدند که توانستند مطالبات خود را به نهادهای مدنی، فرهنگی، آموزشی و اجتماعی منتقل کنند. تغییرات فرهنگی معمولاً ماندگارتر از پیروزی‌های کوتاه‌مدت سیاسی هستند.

در ایران نیز، مهم‌ترین دستاورد جنبش را باید در همین تحول فرهنگی جست‌وجو کرد. حتی اگر بسیاری از مطالبات هنوز در ساختارهای حقوقی و سیاسی بازتاب نیافته باشند، تغییر نگرش بخش بزرگی از جامعه، به‌ویژه نسل جوان، سرمایه‌ای اجتماعی است که به‌سادگی از میان نخواهد رفت. این سرمایه می‌تواند زمینه‌ساز اصلاحات و دگرگونی‌های آینده باشد.

البته این دستاوردها با تهدیدهای جدی نیز روبه‌رو هستند. سرکوب، محدودشدن فضای مدنی، مهاجرت گسترده‌ی جوانان، ناامیدی اجتماعی و شکاف‌های موجود میان نیروهای سیاسی، همگی می‌توانند به فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی این جنبش بینجامد. علاوه بر این، گاه در میان بخشی از نیروهای مخالف نیز رویکردهایی دیده شده است که با ارزش‌های برابری‌خواهانه و حقوق بشری جنبش همخوانی ندارد. استفاده از ادبیات

جنسیت زده، تخریب فعالان حقوق زنان یا نادیده گرفتن مطالبات برابری خواهانه، می تواند به تضعیف همبستگی اجتماعی بینجامد.

حفظ دستاوردهای جنبش مستلزم آن است که ارزش هایی چون برابری، آزادی، مدارا و احترام به کرامت انسانی، به اصولی مشترک میان همه ی نیروهای دموکراسی خواه تبدیل شود. تجربه ی جهانی نشان داده است که جنبش هایی ماندگار می شوند که بتوانند از مرز اختلاف های سیاسی عبور کرده و بر اصول بنیادین حقوق بشر و برابری تأکید کنند.

نسل جوان ایران نشان داده است که خواهان آینده ای متفاوت است؛ آینده ای که در آن جنسیت، قومیت، مذهب یا گرایش فکری، مبنای تبعیض نباشد. حفظ این چشم انداز، نه تنها وظیفه ی فعالان مدنی، بلکه مسئولیتی تاریخی برای همه ی کسانی است که آینده ای آزاد، عادلانه و توسعه یافته برای ایران آرزو می کنند.

چه گونه می توان از دستاوردهای جنبش محافظت کرد؟

تجربه ی تاریخ نشان می دهد که هیچ جنبش اجتماعی، حتی اگر میلیون ها نفر را به میدان بیاورد، به خودی خود ماندگار نمی شود. بسیاری از جنبش های بزرگ جهان، پس از فروکش کردن اعتراضات خیابانی، یا به اصلاحات پایدار منجر شده اند یا در اثر سرکوب، اختلاف های داخلی و فراموشی تدریجی، بخشی از دستاوردهای خود را از دست داده اند. تفاوت میان این دو سرنوشت، معمولاً در توانایی جامعه برای تبدیل مطالبات خیابانی به فرهنگ، نهاد و حافظه ی جمعی نهفته است.

جنبش ۱۴۰۱ نیز از این قاعده مستثنی نیست. اگرچه اعتراضات خیابانی فروکش کرد، اما بسیاری از ارزش هایی که این جنبش مطرح کرد، همچنان در جامعه زنده است. اکنون مهم ترین چالش، حفظ و گسترش این سرمایه ی اجتماعی است.

حفظ حافظه ی تاریخی

یکی از نخستین اقداماتی که حکومت های اقتدارگرا انجام می دهند، کنترل روایت تاریخ است. حذف نام قربانیان، سانسور رویدادها و تغییر روایت های رسمی، ابزاری برای فراموشی جمعی است.

در برابر این روند، ثبت خاطرات خانواده‌ها، مستندسازی روایت شاهدان، گردآوری اسناد، آثار هنری، فیلم‌ها و عکس‌ها و روایت‌های شخصی، اهمیتی اساسی دارد. تجربه‌ی کشورهایمانند آرژانتین، شیلی و آفریقای جنوبی نشان می‌دهد که حفظ حافظه‌ی تاریخی، مانع تکرار بسیاری از نقض‌های حقوق بشر شده است.

تبدیل مطالبات زنان به مطالبه‌ای ملی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جنبش این بود که مسئله‌ی زنان را از یک مطالبه‌ی محدود به مسئله‌ای ملی و دموکراتیک تبدیل کرد.

برابری جنسیتی تنها به سود زنان نیست؛ بلکه با توسعه‌ی اقتصادی، کاهش خشونت، افزایش مشارکت اجتماعی و گسترش دموکراسی ارتباط مستقیم دارد. هر اندازه مردان، خانواده‌ها، دانشگاه‌ها، معلمان، کارگران و سایر اقشار جامعه این ارزش‌ها را متعلق به همه‌ی جامعه بدانند، احتمال عقب‌گرد کاهش خواهد یافت.

آموزش حقوق بشر و برابری

هیچ تغییر فرهنگی بدون آموزش پایدار نخواهد ماند. آموزش حقوق بشر، برابری جنسیتی، گفت‌وگو، مدارا و تفکر انتقادی، از مهم‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها برای آینده است. کشورهایی که پس از حکومت‌های اقتدارگرا توانسته‌اند مسیر دموکراسی را تثبیت کنند، آموزش عمومی را به یکی از اولویت‌های خود تبدیل کرده‌اند. آگاهی، مؤثرترین ابزار مقابله با بازتولید تبعیض و خشونت است.

تقویت جامعه‌ی مدنی

تجربه‌ی جهانی نشان می‌دهد که هیچ جنبش اجتماعی بدون نهادهای مدنی مستقل دوام نمی‌آورد. انجمن‌های دانشجویی، تشکلهای صنفی، سازمان‌های زنان، گروه‌های داوطلبانه، رسانه‌های مستقل، انجمن‌های فرهنگی و شبکه‌های محلی، ستون‌های اصلی حفظ سرمایه‌ی اجتماعی هستند. حتی در دوره‌های محدودیت سیاسی، این شبکه‌ها می‌توانند ارتباط اجتماعی، همبستگی و امید را زنده نگه دارند.

پذیرش تنوع و پرهیز از حذف

یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی این جنبش، حضور اقوام، مذاهب، زبان‌ها و گرایش‌های فکری گوناگون بود. تداوم این سرمایه، مستلزم پذیرش تکثر و احترام

متقابل است. تجربه‌ی بسیاری از جنبش‌های دموکراسی‌خواه نشان داده است که حذف گروه‌های مختلف یا تلاش برای انحصار رهبری، به تضعیف جنبش می‌انجامد. آینده‌ی ایران نیازمند فرهنگی است که تفاوت را تهدید نبیند، بلکه آن را بخشی از سرمایه‌ی ملی بداند.

نقش هنر، ادبیات و فرهنگ

بخش مهمی از حافظه‌ی تاریخی ملت‌ها نه در اسناد رسمی، بلکه در شعر، موسیقی، سینما، تئاتر، ادبیات و هنرهای تجسمی حفظ می‌شود. همان‌گونه که آثار هنری مربوط به مبارزه با آپارتاید در آفریقای جنوبی یا دیکتاتوری‌های آمریکای لاتین هنوز الهام‌بخش نسل‌های جدید هستند، آثار هنری خلق‌شده در جریان جنبش ۱۴۰۱ نیز می‌توانند حامل ارزش‌های آزادی، برابری و کرامت انسانی برای نسل‌های آینده باشند.

پیوند آزادی با عدالت اجتماعی

تجربه‌ی سال‌های اخیر نشان داده است که مطالبات سیاسی و مطالبات اقتصادی از یکدیگر جدا نیستند. بیکاری، تورم، فقر، تبعیض، نابرابری فرصت‌ها و نبود امنیت اقتصادی، بیش از همه بر زندگی جوانان و به‌ویژه زنان جوان تأثیر می‌گذارد. برابری جنسیتی بدون استقلال اقتصادی، دسترسی برابر به آموزش، فرصت‌های شغلی و حمایت‌های اجتماعی، به دشواری تحقق خواهد یافت.

از همین رو، مبارزه برای آزادی و حقوق بشر باید همزمان با تلاش برای کاهش فقر، ایجاد اشتغال، گسترش عدالت اجتماعی و رفع تبعیض‌های اقتصادی دنبال شود.

مسئولیت جامعه‌ی ایرانی خارج از کشور

میلیون‌ها ایرانی خارج از کشور نیز می‌توانند در حفظ این دستاوردها نقش مؤثری ایفا کنند. حمایت از رسانه‌های مستقل، ترجمه‌ی آثار پژوهشی، ایجاد شبکه‌های دانشگاهی و فرهنگی، مستندسازی نقض حقوق بشر و انتقال تجربه‌های جهانی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به تقویت جامعه‌ی مدنی ایران کمک کند. این حمایت زمانی مؤثرتر خواهد بود که در خدمت تقویت صدای جامعه‌ی مدنی و فعالان داخل کشور باشد، نه جایگزین آن.

جمع‌بندی

جنبش ۱۴۰۱ صرفاً یک دوره از اعتراضات خیابانی نبود؛ بلکه نقطه‌ای عطفی در تحول فرهنگی و سیاسی جامعه‌ی ایران به شمار می‌رود. بزرگ‌ترین دستاورد این جنبش، تغییر نگرش نسل جدید نسبت به آزادی، برابری، کرامت انسانی و حقوق شهروندی است.

حفظ این دستاوردها، نیازمند صبر، گفت‌وگوی، آموزش، تقویت جامعه‌ی مدنی، احترام به تنوع و تداوم مشارکت نسل جوان است. تاریخ نشان داده است که جنبش‌هایی که بتوانند ارزش‌های خود را به فرهنگ عمومی تبدیل کنند، حتی اگر با سرکوب روبه‌رو شوند، در بلندمدت مسیر آینده‌ی جامعه را تغییر خواهند داد.

نسل جوان ایران امروز نه تنها وارث این تجربه تاریخی، بلکه مهم‌ترین سازنده‌ی آینده‌ی کشور است. آینده‌ای که تحقق آن، بیش از هر چیز، به حفظ امید، همبستگی، برابری و مشارکت آگاهانه شهروندان وابسته است

جوانان ایران در آینه‌ی آمار

هرگونه تحلیل درباره‌ی وضعیت جوانان ایران باید بر پایه‌ی داده‌ها و گزارش‌های معتبر داخلی و بین‌المللی استوار باشد. اگرچه به دلیل محدودیت دسترسی به برخی آمارها و تفاوت روش‌های آماری، ارقام منتشرشده از سوی نهادهای مختلف ممکن است یکسان نباشد، اما تقریباً همه‌ی گزارش‌ها در یک نکته اتفاق نظر دارند: جوانان ایران با مجموعه‌ای از بحران‌های همزمان اقتصادی، اجتماعی و مدنی روبه‌رو هستند.

بیکاری؛ مهم‌ترین دغدغه‌ی نسل جوان

سازمان بین‌المللی کار (ILO) در گزارش‌های خود تأکید می‌کند که بیکاری جوانان و شکاف جنسیتی در بازار کار همچنان از مهم‌ترین چالش‌های کشورهای در حال توسعه است. همچنین این سازمان نسبت به کاهش فرصت‌های شغلی برای جوانان و افزایش ناامنی شغلی هشدار داده است. ([International](#) [arbetsorganisationen](#))

در ایران نیز، جوانان و به‌ویژه زنان جوان با موانع بیشتری برای ورود به بازار کار روبه‌رو هستند. بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی پس از پایان تحصیل، ماه‌ها یا حتی سال‌ها در جست‌وجوی شغل باقی می‌مانند و بخشی از آنان ناچار به پذیرش مشاغل می‌شوند که تناسبی با تخصص و مهارت‌شان ندارد. این وضعیت علاوه بر کاهش بهره‌وری اقتصادی، انگیزه برای مهاجرت و خروج سرمایه‌ی انسانی را نیز افزایش داده است.

مهاجرت تحصیل کرده‌ها؛ هزینه‌ای سنگین برای توسعه

در سال‌های اخیر، مهاجرت دانشجویان، پژوهشگران، پزشکان، مهندسان و کارآفرینان جوان به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های توسعه‌ی ایران تبدیل شده است. مهاجرت، پدیده‌ای جهانی است، اما هنگامی که بخش بزرگی از نیروهای متخصص یک کشور به دلیل محدودیت فرصت‌های شغلی، نگرانی نسبت به آینده یا کمبود آزادی‌های علمی و اجتماعی تصمیم به ترک کشور می‌گیرند، آثار آن بر رشد اقتصادی، نوآوری و توسعه‌ی بلندمدت بسیار عمیق خواهد بود.

سلامت روان؛ بحران خاموش

پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که نااطمینانی اقتصادی، بیکاری، تورم، دشواری تأمین مسکن و فشارهای اجتماعی، سلامت روان جوانان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. افزایش اضطراب، افسردگی، احساس بی‌آیندگی و فرسودگی روانی از پیامدهای شرایطی است که بسیاری از جوانان با آن روبه‌رو هستند. هرچند دسترسی به آمار دقیق در این زمینه محدود است، اما متخصصان سلامت روان نسبت به روند روبه‌رشد این مشکلات هشدار داده‌اند.

افزایش اعدام‌ها و پیامدهای اجتماعی آن

یکی دیگر از نگرانی‌های جدی، افزایش شمار اعدام‌ها در ایران است. گزارش‌های دفتر حقوق بشر سازمان ملل و شورای حقوق بشر سازمان ملل از افزایش قابل توجه اعدام‌ها در سال‌های اخیر خبر داده‌اند. این گزارش‌ها همچنین درباره‌ی رعایت دادرسی عادلانه، استفاده از مجازات اعدام و آثار آن بر فضای عمومی جامعه ابراز نگرانی کرده‌اند.

[The United Nations Office at Geneva](https://www.unhcr.org/refugees)

در مقابل، مقام‌های جمهوری اسلامی تأکید دارند که احکام اعدام بر اساس قوانین کشور و برای مقابله با جرایم سنگین و حفظ امنیت عمومی صادر و اجرا می‌شود. با وجود این اختلاف دیدگاه، تردیدی نیست که گسترش فضای امنیتی و احساس نااطمینانی، بر نگرش نسل جوان نسبت به آینده تأثیر می‌گذارد.

با وجود همه‌ی دشواری‌ها؛ نسلی که تسلیم نشده است

در کنار این چالش‌ها، نباید از ظرفیت‌های کم‌نظیر نسل جوان ایران غافل شد. جوانان ایرانی در سال‌های اخیر در حوزه‌های گوناگون علمی، فناوری، پزشکی، هنر، ورزش، استارت‌آپ‌ها و فعالیت‌های اجتماعی موفقیت‌های چشمگیری به دست آورده‌اند. بسیاری از آنان، حتی در شرایط دشوار اقتصادی و اجتماعی، با نوآوری، کارآفرینی و فعالیت مدنی نشان داده‌اند که همچنان به ساختن آینده‌ای بهتر باور دارند. جنبش ۱۴۰۱ نیز بازتاب همین ظرفیت اجتماعی بود؛ نسلی که خواهان مشارکت بیشتر، احترام به کرامت انسانی، برابری حقوقی، عدالت اجتماعی و آینده‌ای مبتنی بر قانون و آزادی است. این سرمایه‌ی انسانی، مهم‌ترین پشتوانه‌ی توسعه‌ی ایران در دهه‌های آینده خواهد بود.

نتیجه‌گیری

روز جهانی جوانان تنها یک مناسبت نمادین در تقویم جهانی نیست، بلکه فرصتی است برای ارزیابی جایگاه نسلی که آینده‌ی هر جامعه را رقم می‌زند. آینده‌ی ایران نیز بیش از هر چیز به وضعیت جوانان آن وابسته است؛ نسلی که با وجود برخورداری از سرمایه‌ی علمی، فرهنگی و اجتماعی فراوان، با چالش‌هایی چون بیکاری، تورم، ناامنی اقتصادی، محدودیت‌های اجتماعی، مهاجرت گسترده نخبگان و نگرانی نسبت به آینده روبه‌رو است.

با این همه، تصویر جوانان ایران تنها تصویر یک نسل آسیب‌دیده نیست. این نسل در سال‌های اخیر بارها نشان داده است که از ظرفیت بالایی برای نوآوری، مشارکت اجتماعی، تولید دانش، فعالیت فرهنگی و مطالبه‌گری مدنی برخوردار است. حضور

گسترده‌ی جوانان، به‌ویژه زنان جوان، در جنبش ۱۴۰۱ نیز نشان داد که بخش مهمی از جامعه‌ی ایران خواهان آینده‌ای مبتنی بر آزادی، برابری، کرامت انسانی و حاکمیت قانون است.

بزرگ‌ترین دستاورد این جنبش را باید در تحول فرهنگ سیاسی و اجتماعی جامعه جست‌وجو کرد. امروز برابری جنسیتی، احترام به حقوق شهروندی، پذیرش تنوع و مخالفت با تبعیض، بیش از هر زمان دیگری به بخشی از گفتمان عمومی جامعه‌ی ایران تبدیل شده است. تجربه‌ی بسیاری از کشورها نیز نشان می‌دهد که تغییرات فرهنگی، اگرچه به آرامی شکل می‌گیرند، اما ماندگارتر از تغییرات مقطعی سیاسی هستند.

در عین حال، حفظ این دستاوردها نیازمند تلاش مستمر است. تقویت جامعه‌ی مدنی، آموزش حقوق بشر، ثبت حافظه‌ی تاریخی، حمایت از هنر و فرهنگ مستقل، گسترش گفت‌وگو، پذیرش تکرار و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه‌ی شهروندان، از مهم‌ترین عواملی هستند که می‌توانند از فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی جلوگیری کنند. ایرانیان خارج از کشور نیز می‌توانند با حمایت از پژوهش، رسانه‌های مستقل، مستندسازی، ترجمه‌ی آثار و گسترش همکاری‌های علمی و فرهنگی، در حفظ این سرمایه‌ی اجتماعی نقش مؤثری ایفا کنند؛ مشروط بر آن‌که این حمایت در راستای تقویت جامعه‌ی مدنی و احترام به تنوع دیدگاه‌ها باشد.

در نهایت، توسعه‌ی پایدار بدون سرمایه‌گذاری بر نسل جوان ممکن نیست. اشتغال، آموزش باکیفیت، برابری فرصت‌ها، امنیت اقتصادی، آزادی‌های مدنی و مشارکت اجتماعی، نه امتیازاتی ویژه، بلکه پیش‌شرط‌های توسعه‌ی هر جامعه هستند. هر اندازه این شرایط برای جوانان فراهم‌تر شود، امید به آینده نیز افزایش خواهد یافت.

جوانان ایران، با وجود همه‌ی دشواری‌ها، همچنان یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های ملی کشور هستند. آینده‌ی ایران را نه ناامیدی، بلکه توانایی این نسل در حفظ امید، گسترش همبستگی، دفاع از کرامت انسانی و مشارکت آگاهانه در ساختن جامعه‌ای آزادتر، عادلانه‌تر و توسعه‌یافته‌تر رقم خواهد زد.

منابع

سازمان ملل متحد:

روز جهانی جوانان و اسناد مربوط به توسعه‌ی پایدار و مشارکت جوانان
گزارش‌های گزارشگر ویژه‌ی حقوق بشر.

سازمان بین‌المللی کار

World Employment and Social Outlook (گزارش اشتغال جهانی).

گزارش‌های مربوط به اشتغال جوانان و شکاف جنسیتی در بازار کار

بانک جهانی

داده‌های اقتصادی ایران، نرخ مشارکت نیروی کار، فقر و شاخص‌های توسعه‌ی انسانی
گزارش‌های توسعه‌ی انسانی و شاخص‌های مرتبط با آموزش، برابری جنسیتی و مشارکت اجتماعی.

یونسکو

گزارش‌های مربوط به آموزش، جوانان و برابری جنسیتی.

دفتر کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل

گزارش‌های سالانه